

Anahita A Research Journal of Persian Language, Literature Art & Culture Vol. No. 02, Dec 2015, pp49-62	آناهیتا مجله علمی- پژوهشی زبان، ادبیات، فرهنگ و تمدن فارسی شماره: 02 فصلنامه دسامبر 2015 میلادی، صص 49-62
---	--

Epic Poetry of Ferdowsi and Mehdi Akhavan-E-Thalith an Epic Poet in Contemporary Persian Literature

* Atiqur Rahman

Epic poetry had narrative poems of legendary and heroic content. Classical Persian literary theory did not recognize the epic as a distinct genre. Modern Persian critics have coined for them the term *hamaseh-sarai*, roughly “heroic poetry.”

Ferdowsi’s *Shah-nama* is the last and definitive retelling of the Iranian national saga in verse. This important mathnavi and monumental poem of more than 50,000 verses, completed in 400/1010 and dedicated to Mahmud of Ghazna, covers the whole of the legendary and, from the time of Alexander onward, semi-legendary history of Iran. It is justly regarded by Persians as their national epic as *par excellence*.

Mahdi Akhavan Thalith was yet another forceful epic poet in contemporary Persian literature whose style and poetic voice that convincingly combined the most eloquent potentialities of the Khorasani poetic tradition with an unflinching political commitment to radical reutilization of Persian poetry. The result was a nuanced, barely noticeable balance between a poetic narrative that had nothing but its own story to tell and a relentless engagement with the political. His poetry then became the conscience of a whole generation of poetic politics: a poetry that took zest and momentum from life, politics that was embedded in the humanizing force of poetry.

In the modern Persian literature, the epic poetry was used as one of the effective means of highlighting the socio-cultural and political trends in Iran, a power tool to reflect coercive nature of the rulers and mute odium of suppressed people. Modern Epic Poetry also played crucial role as to free the people from the yoke of monarchy.

Key words: Epic poetry, Ferdowsi, Mahdi Akhavan Thalith, contemporary Persian literature

شاهنامه سرایی فردوسی و مهدی اخوان ثالث حماسه سرا در ادبیات فارسی معاصر

*عتیق الرحمن

چکیده:

شاهنامه سرایی در ایران: داستان و داستان حماسی مبتنی بر اسطوره در ایران سابقه و رونق دیرینه داشته باشد و حماسه سرایی بسیار زود تر از آنکه سده چهارم هجری از آن گزارش می دهد، آغاز شده باشد. با اینکه خلاف این را به آسانی نمی توان ثابت کرد، معذک بقای مستقیمی از آثار احتمالی حماسه های کهن هنوز در دست نیست؛ آنچه که در دست است نشانه هایی از وجود حماسه یا سروده های روایتی در مانده های یک گذشته بسیار غنی تر است.

شاهنامه فردوسی حماسه ایرانی است که در ردیف سه حماسه های ملل باستانی، بین النهرین، یونان و هند و پس از این سه سروده شده است. شاهنامه که در شرح تاریخ داستانهای ملی ایران نوشته شده است، فردوسی این شاهنامه که تقلید کتابهای "خداایامک" و سیرا لملک ابن مقفع و محمد بن جهم بر مکی و رود به پسرشاهویه نگاشته شده است. دیگر شاهنامه ابو علی بلخی و شاهنامه ابو منصور محمد بن عبدالرزاق است. مسعودی مروزی نخستین شاعر ایرانی هست که در حدود ۳۰۰ هجری روایتهای حماسی را شروع کرده است. در ادبیات معاصر اخوان ثالث معروف و مشهورترین شاعر حماسه سرایی ایران است، اخوان از جمله شاعران بزرگ معاصر است که سرودن سیاسی و اجتماعی از ویژگیهای ممتاز شعر او به شمار میرود، او می خواست زبان ملت خود و قلمی باشد که رنجامه ای ملت خود را بر کتیبه تاریخ بنویسد، در حالی آ شکار است که اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران را به گونه ای نمادین و بسیار زیبا در اشعار خود بیان می کند. درین مقاله کوشش بر آن خواهد شد که چطور حماسه سرایی نو از حماسه سرایی قدیم ایران فرقی دارد. در زبان قدیم حماسه سرایی فقط در باره سرزمین ایران، پادشاهان، وزراء، امراء و پهلوانان است، ولی شاعران جدید در ادبیات فارسی معاصر اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران را موضوع ساخته اند. شعراء حتی المقدور سعی کرده اند که در اشعارشان مردم عامه، کارگران و رنجبران و زنان را موضوع بحث قرار دهند.

کلیدواژگان: اسطوره، حماسه سرایی، فردوسی، مهدی اخوان ثالث

*استادیار فارسی، بخش عربی، فارسی، اردو و مطالعات اسلامی، بهاشا بهون، دانشگاه وشوا بهارتی، شانتی نکیتن، بنگال غربی، هند atiqura044@gmail.com

مقدمه:

حماسه نخستین برگ هویت یا کارنامه آغازین یک تبار است؛ نخستین (گزارش)، نخستین (تاریخی) است که تفکرو تخیل، آدمی از کرده های خود و جهانی که با آن رو برو است، تنظیم و تقریر کرده است. یک اثر حماسی با چنین خصوصیات و کیفیت های مشابه، سند تمایز و رهایی انسان ازمی کند. حماسه نخستین عملکرد ادبی انسان است، ولی نخستین اثر سروده انسانی نیست: پیش از آنکه حماسه پدید آمد، روایات اساطیری واسطوره وجود داشت، حماسه پرورش ادبی اسطوره است. بیشتر حماسه های پهلوانی از داستانهای اساطیری وساخت آن مایه گرفته اند. بیشتر داستانها، و نوشتههای اساطیراوستایی، یاد گار روزگارانی است که اقوام ایرانی به پدیده های مانند باد، آب، آفتاب و مانند آن به دیده نیروهای مؤثرتر در واقعیت بیان کرده اند.

شعر حماسی در قرن قدیم دریونان پیش از میلادی در قرن هشتم موجود بود. آن شهیر یونان که اولین بار این روش را اختیار کرده است هومر بود. وی بنام "ایلیاد" و "اودیسه" حماسه سرایی کرده است. حماسه سرایی هومر که ضمناً آغاز ادب کلاسیک یونان باستان است، در سده هشتم پیش از میلادی سروده شده است. هردو حماسه "ایلیاد" و "اودیسه" سروده است که بسیاری از جهات با هم جدا هستند، اولی داستان جنگ ترویا ودومی سرنوشت، بازماندگان یونانی آن است. پیدایش حماسه هومریکی از نخستین نتایج فرهنگی مزبور است. آن سنت حماسه سرایی که از بین ا لنهرین به اروپا آمد و رشد کرد. شاهنامه فردوسی در ردیف سه حماسه ملل باستانی بین ا لنهرین، یونان و هند و پس از این سروده شده است و از نظر کمی کیفی نیز با آنها تفاوت اساسی دارد. از این چهار حماسی اولی، دومی و چهارمی آسیایی است. بیشتر اقوام و ملل باستان اسطوره خاص خود را داشته اند، ولی از همه آنها حماسه ای به یاد گار نمانده است. (فردوسی و سنت نو آوری در حماسه سرایی، ص-154)

رواج سیاست دینی در قرنهای پنجم و ششم و اوایل قرن هفتم بسیار ضعیف شده بود و بعداً از حمله مغول با لعکس مقارن آغاز قرن هفتم منظومه تاریخی رواج یافت. حماسه و داستان حماسی در ایران سابقه و رونق دیرینی داشته و حماسه سرایی در سده چهارم هجری بسیا ر زود تر از آن گزارش می دهد آغاز شده. اگرچه حماسه کهن در دست نیست. ولی اینقدر معلوم است که قبل از فردوسی، دقیقی شعر حماسه سروده است و تقریباً یک هزار اشعار وی در شاهنامه خود شامل کرده است.

قدیم ترین منظومه های تاریخی (غیر از اسکندرنامه) در آن ایام ساخته شد. دومین منظومه های حماسی که در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم ساخته شد. "شاهنامه" هست، این منظومه مانند منظومه نخستین یاد کرده اند. بعد از این منظومه تاریخی دیگر که حمدالله مستوفی بنام "ظفرنامه" در سال 750 هجری نوشته است، ظفر نامه منظومه تاریخی موجود است، شامل 75000 بیت در بحر متقارب سروده شده است.

"سرودها حماسه های باستانی منظوم اند و شعر به همراه نثر بدیع پرداخته طبع متفکر و قوه خیال سراینده است آثار منظوم و منثور بدیع را ادب (یا ادبیات) نامیده اند. فعالیتها ی ادبی نیز مانند کاوشهای علمی برای نیل به حقیقی است که از غایت کار روی موضوع خاصی حاصل می شود. شاعر و نویسنده حقیقت موضوع را با توجه به جنبه احساس و عاطفی پرورانده و به کمک تصویر و تمثیل افاده می کند." (فردوسی و سنت نو آوری در حماسه سرایی، ص-11)

واژه تمثیل (Allegory) اصلاً از بلاغت یونانی اخذ شده است. این موضوع را مولانا جلال الدین رومی در اشعارش بیان می نماید:

خوشر آن باشد که سر دلبران گفته آید در حدیث دیگران

نکته مشابهی را فردوسی در (اندر فراهم آوردن کتاب) به میان آورده است و سعی کرده است که خواننده را از افسانه پنداشتن مطالب شاهنامه در امان دارد:

ازو هر چه اندر خورد با خرد دگر بر ره رمز معنی برد

شاعریا نویسنده در اشعار خود معمولاً توصیف و تشبیه می کند و تفاوت آن با آنچه که در علم می گذرد وی در اشعارش بیان می کند. ادب حتی علم را به تشبیه و توصیف می کند، رودکی درین مورد می گوید:

دا نش اندر دل چراغ روشن است و ز همه بد برتن تو جوشن است

سنت شعر حماسی وصف عمل نمایی انسان است که شاعر و نویسنده از زمان قدیم به تعریف پادشاهان و قوم و ملت بیان نموده است. شاهنامه فردوسی حماسه ایرانی است که در ردیف سه حماسه ای ملل باستان بین النهرین، ایران و هند و از این سه سروده شده است. شاهنامه که در شرح تاریخ و داستانهای ملی ایران نوشته شده است.

فردوسی این شاهنامه که به تقلید کتابهای "خداپنامه" و سیرالملک ابن مقفع و محمد بن جهم برمکی و زاود به پسرشاهویه نگاشته شده است. دیگر شاهنامه ابوعلی بلخی و شاهنامه ابومنصور محمد بن عبد الرزاق است. مسعودی مروزی نخستین شاعر ایرانی است که در حدود سیصد هجری روایتهای حماسی را شروع کرده بود.

شاهنامه فردوسی بزرگترین منظومه حماسی و تاریخ ایران بلکه جهان است که این 60,000 (شصت هزار بیت) بیت دارد و شاهنامه فردوسی در سه حصه تقسیم شده است.

1- دوره افسانه ای 2. دوره پهلوانی 3. دوره تاریخی

فردوسی در اشعارش صنعت سمبولیک را استعمال کرده است و به توسط تمثیل نگاری درباره پادشاهان پهلوانان شعر سروده است، او می گوید:

بر آمد به سنگ گران سنگ خورد همان و همین سنگ بشکست گرد

فروغی پدید آمد از هر دو سنگ دل سنگ گشت از فروغ آذ رنگ

یک شعر وی که پراز جنگ و جدال است زیر است:

اگر جز بکا م من آید جواب من و گرز و میدان و افرا سیاب

بیشتر حماسه های پهلوانی از داستانهای اساطیری وساخت آن مایه گرفته اند. در حماسه ای یکدست و منسجم سروده شده و تقریری یا بند و سبک شاعری واحد سروده می شوند. بیشتر داستانها، و نوشته های اساطیر اوستایی، یادگار روزگارانی است که اقوام ایرانی به پدیده های مانند باد، آب، آفتاب و مانند آن به دیده نیروهای مؤثرتر در واقعیت بیان کرده اند.

گیلگمش، ایللیاد و اودیسه و شاهنامه حماسه ای شناخته جهان است. این همه حماسه که حاصل پرورش شاعرانه بوده اند. "ایللیاد" و "اودیسه" کتابهای دینی است، از این حماسه فرهنگ عربی و فارسی خیلی نزدیک است و تمثیل نگاری، عربی و سمبولیسم فارسی از یونان اخذ شده است و با نغمه مسیحی مشابهت دارد، به این سبب که حماسی یونانی از نغمه مسیحی اخذ شده است.

در هند مهمترین حماسه که بنام "مهابهارت" وید ویاس نوشته است، بزرگترین حماسه هندی است و این کتاب دینی هندوان است. این منظومه با حماسه هومر "ایللیاد" و "اودیسه" مشابهت دارد که این هر دو کتاب جنبه دینی دارد. علاوه از این در هند کتابهای دینی "راماین"، "اپنیشد" و "بهگوت گیتا" است.

راماین و مهابهارت هر دو حماسه دینی و تاریخی محسوب می شوند ولی تفاوت دارند. "راماین" کهنترین حماسه منظوم سانسکرت و یکی از آثار جاویدان است. این مقدس ترین کتب هندوان است. تقریباً دویست و پانصد سال پیش از میلادی، والمیکی که سراینده مشهور سروده است. والمیکی با همزمان رام می زیسته است. "راماین" مشتمل بر بیان و توصیف بشر و تاریخ و قص و داستانها است. راماین به ضمن انسان کامل یا بهترین بشر بیان نموده است. راماین به دو صورت به نظم و نثر به زبان فارسی سروده است. سرآغاز راماین به این بیت می شود:

خداوند از جام عشق کن مست که در مستی فشانم بر جهان دست
(از رامائن، ترجمه فارسی)

"در اردو ده اثر منثور و منظوم دیده می شود که داستان راماین در آنها بیان شده است، یکی از قدیمترین آنها به وسیله احمد خان غفلت رامپوری به سال 1825 م زیر عنوان (افسانه رام و سیتا) به نثر ترجمه کرده است و تا کنون به صورت نسخه خطی می باشد."

(راماین، فارسی ترجمه، ص-9)

راماین بیست و چهار هزار بیت دارد. سرگزشت رام و سیتا و جنگ رام با راون بطور مسبوط بیان می دارد. راماین مسیحی یکی از بهترین منظومه های راماین فارسی شمار می رود. آن نه تنها از لحاظ قدامت بر دیگر منظومه های راماین برتری دارد بلکه از حیث شعریت و لطف نیز حائز اهمیت است.

مهدی اخوان ثالث اسفند ماه در سال 1307 شمسی در مشهد چشم جهان گشود. پدر وی مشهور تاجر و از رشته آهنگر مربوط بود. اخوان ثالث در دوره جوانی در میان ادب نواز مذهبی گزارده بود، وی از آغاز، ذوق ادبی داشته باشد و در سال 1327 از رشته معلمی به تهران رفت و آنجا در لویزان و سلطنت آباد سکونت کرد و کار خود را با معلمی شروع کرد.

مهدی اخوان ثالث زیاد آثار گذاشته است ولی معروفترین و مشهور ترین آثار وی "ارغنون"، "زمستان"، "آخرشاهنامه" و "ازین اوستا" است. ارغنون نمودار یک سلسله تجارب پارینه و امروز تقریباً همه آثار شیوه های قدیمی را بیان نموده است. آن در تعریف عماد خراسانی بیان نموده است. من اینجا نقل می کنم.

به تو کز نوع خویش ممتازی	به هنوز مندی و سخندانی
به تو تقدیم، ای فرشته من	این حماسی سرود انسانی
جویی از دل گرفته سرچشمه	از دل شاعری خراسانی

(قطعه از ارغنون، ص-229)

علاوه ازین مهدی اخوان ثالث درباره شاعران معاصرانش از جمله احمد خوئی، محمد قهرمان، محمد گلین، رضا رحیمی، شفیع کدکنی مرتضی و از غلام حسین یوسفی خیلی زیاد تاثیر پذیرفته است و گاه گاه در توصیف آن شعر سروده است و آنرا در مجموعه خود شامل کرده است.

اخوان ثالث در اشعارش به موضوع تاریخی، جغرافیایی، سیاسی و سیاستهای جهانی و ملی و اوضاع طبقاتی اجتماعی را داشت. معاصران وی نیما یوشیج، احمد شاملو، نادر نادرپور، سیاوس کسرائی، اسماعیل شاهروردی، محمد زهری، منوچهر آتشی و فروغ فرخزاد اند.

خوبی اخوان این است که به توسط اشعارش آثار قدیمه را به شیوه نو بیان می نماید مهمترین مجموعه وی که "آخرشاهنامه" است به شیوه هومر و فردوسی سروده شده است. دومین مجموعه وی که بنام "زمستان" در سال 1335 انتشار یافت. این دیوان به شکل تازه شعر حماسی و اجتماعی دست یافته است و در مجموعه "آخرشاهنامه" اوج شعرو شاعری خود را در واپسین سالهای حیات نیما نشان داد. در زمستان دو قطعه بسیار خوب هست، ولی کتاب خود نه از نظر تاریخ ادبی بلکه از نظر بررسی وضع اخوان اهمیت دارد. زمستان بی شک زبان حال مردم این دور و در زمره زیبا تر و شاخص ترین اشعار نو نیمایی است که رمز گرایی ناشی از عصر فشار و خفقان سیاسی را بخوبی نشان می دهد:

سلامت را نمی خواهند پاسخ گفت	سر را در گریبانست
کی سربرنیارد کرد پاسخ گفتن و دیدار یاران را	نگه جز پیش پا را دید، نتواند
که ره تاریک و لغزناست	و گر دست محبت سوی کس بازی
به اکراه آورد دست از بغل بیرون	که سرما سخت سوزان ست.

(از زمستان، ص-97)

دکتر رضا براهنی درباره شعر اخوان ثالث می نویسد: "من قصد ندارم با کوبیدن کج اندیشه‌های شعر اخوان را نیز که خود شخصاً دوست دارم و به نظرم شعری است، عزیز و حتی گاهی سخت عظیم، کوبیده باشم. با وجود آنکه معتقد هستم بعضی از شعرهای اخوان واقعاً بد است، ولی باید اینجا بلا فاصله بگویم که بعضی از شعرهای اخوان واقعاً زیبا است، و هرگز نمی‌توان در شکوه و عظمت و زیبایی آنها تردید داشت، چراکه: اخوان بالفوه و بالفعل، ذاتاً و کاملاً، شاعر است و از همه با لا تراخوان، نفسی دارد، ذاتاً که آنرا در روح کلام، می‌دمد و به همین، مشخص است و بدون شک دارد..." (از شعر معاصر ایران- ص-142)

سومین مجموعه وی که بنام "آخرشاهنامه" در سال 1338 انتشار یافت. درین مجموعه اخوان به نقل و روایت در شعر روی می‌آورد. روح روایتگری در بیشتر شعرهای او غلبه پیدا می‌کند و در نتیجه شعرش هر نقال و قصه‌گویی دیگر به سوی توصیف راه می‌گشاید، شاعر توانای نسل اول بعد از نیما را، به خانواده و دوستانش به شاعران و نویسندگان ایران زمین صمیمانه تسمیت می‌گویم.

"قاصدک" یک رباعی وی که خیلی زیاد معروف و مشهور شد. بیشتر اشعار وی تأثیر ذهن و زبان "شاهنامه" آشکار شده است. اخوان درین مجموعه و طبعاً در اغلب مجموعه‌های بعدی او ابراز علاقه مفرط به اساطیر و حماسه و بر روی هم فرهنگ اندیشه ایران پیش از اسلام بیان نموده است. این رباعی که اوضاع سیاسی و اجتماعی روزگار اوست.

دو بند از عنوان "قاصدک" از مجموعه "آخرشاهنامه" اینجا نقل می‌کنم:

قاصدک هان! چه خبر آوردی ؟
از کجا، وز که خبر آوردی
خوش خبر باشی اما،
گرد بام و در من
بی ثمر میگردی

انتظار خبری نیست مرا
نه ز یاری نه ز دیار و دیاری-باری،
برو آنجا که بود چشمی و گوشه با کس
برو آنجا که ترا منتظرند.

قاصدک !
در دل من همه کورند و کردند.
(از مجموعه آخرشاهنامه، ص-147)

علاوه از این سه مجموعه اخوان از جمله "ازین اوستا" منظوم "شکار"، "بهترین امید"، "عاشقانه‌ها و کبود"، "بزرگزیده اشعار"، "دوزخ اما سرد"، و نیز چند کتاب تحقیقی از جمله "مجموعه مقالات"، "نقیضه و نقیضه سازان" و "بدعتها و بدایع نیما یوشیج" چاپ شده است.

مهدی اخوان ثالث از شاعران خراسان است، او سه منبع اساسی برای زبان خود داشته است. در اشعارش با استفاده از نحوه ترکیب سازی، زبانی مکتب خراسانی، طریقه استفاده از ابرج از زبان عامیانه، و شعری قالبی نیمایی درآورد.

شعرونو حماسی که در ادب فارسی به عصر فردوسی و ناصر خسرو باز می‌گشت، این روش شعری که در زمان قدیم در یونان موجود بود، و ایرانیان این شیوه شعری را از یونان گرفته‌اند. مهدی اخوان ثالث از نیما تأثیر پذیرفته است و روش قدیم را در اشعارش (شعر مکتب خراسانی) آورده است، و کوشش پیگیری احیاء زبان، شعر قرن چهارم و پنجم بعمل آورده.

بهترین و مشهورترین آثار وی "ارغنون"، "زمستان" و "آخر شاهنامه" است. این سه مجموعه که به روش حماسی فردوسی و ناصر خسرو نوشته است. خوبی مهدی اخوان ثالث این است که حماسه سرایی به طرز شعرونو کرده است، و سنتهای حماسه سرایی کلاسیک را به صورت اجتماعی و سیاسی که در باره حماسه انسان محروم و مظلوم عصر خود را بیان نموده است.

یکی از مهمترین ویژگیهای کار مهدی اخوان اینست که در اشعارش شیوای کیفیات زبان و بیانی درباره "سندیت" بیان می‌کند. یکی از بهترین منظومه وی که بنام "آنگاه پس از تندر" در مجموعه "ازین اوستا" شامل شده است. درین شعر بیشتر اشعار بر اساس بازگویی داستان، آن را به شیوه نثر بیان نموده است. اینجا یک بند از "آنگاه پس از تندر" نقل می‌کنم:

اما نمی دانی چه شبهایی سحر کردم
بی آنکه یکدم مهربان باشند با هم پلکهای من
در خلوت خواب گوارایی
و آنگاه که شبها که خوابم برد
هرگز نشد کاید بسویم هاله ای یا نیمتاجی گل
از روشناس گلگشت رویایی.
(شعر زمان ما... ص-145)

این شعر مثل اکثر شعرهای اخوان روایتگونه است. شعربا کلمه "اما" شروع می‌شود. این اولین بند است، شاعری گوید که من چه طور سحر کردم من نمی‌دانم. شبها روشن شود و پلکهای شاعر با هم مهربان نبوده است. و اگر هم گاه به خواب رفته‌ام، هرگز با رویایی و شیرین همراه نبوده‌ام. به اینطور در بند دوم و سوم اخوان در باره شطرنج و خواب‌ها بیان کرده است و در بند آخرین شعر ابرانگار در شاعر است که می‌بارد و شاعر خیش و خواب آلود به گریه می‌افتد، و گویی ابراست که بر شاعری گیرید.

مهمترین حماسی اخوان که مجموعه "آخر شاهنامه" است. این شاهنامه وی به نقش فردوسی نوشته است. لحنی که ریشه آن را در اشعار فردوسی و ناصر خسرو، و نیز ملک الشعراء بهار توان یافت. تصویرسازی در شعر این شاعر گاه به اوج می‌رسد و گاه به کلی فراموش می‌شود.

اخوان ثالث نقل روایت گری را یکی از مایه اصل شعر خود قرار داده است. روح روایتگری که مانند هر شاعر قصه گویی دیگر در اشعارش موجود است. این توصیف گاه با همراه است و به اوج و کمال هنری می رسد. یکی از مهمترین منظومه که بعنوان "طلوع" در مجموعه "آخر شاهنامه" شامل شده است.

پنجره باز است،

و آسمان پیدا است.

گل به گل ابر سترون در زلال آبی روشن

رفته تا بام برین، چون آبگینه پلگان، پیدا است.

من نگاهم مثل نو پرواز به او گنجشک سحر خیزی

پله پله رفته بی پروا به اوجی دور و زین پرواز،

لذتم چون مرد کبوتر باز. (از مجموعه آخر شاهنامه، ص-497)

برای اخوان ثالث نقل و روایت هم برای بیان کردن مساله ای اجتماعی و فلسفی، به این سبب اشعار روایتی او اشعار تمثیلی است، و وی همیشه در پس پرده قصه و حکایت، به جستجو معنی اصلی و مفهوم تمثیل پرداخت. از حیث محتوای شعر اخوان به سوی تکامل حرکت می کند. حرکت از جنبه فردی و عاشقانه به سوی جنبه اجتماعی و حماسی و تا حدی فلسفی بیان می نماید.

در ابتدا شعری با تغزل شروع می شود بعداً مرحله تغزلی را پشت سر می گذارد و به سوی شعر اجتماعی روی می آورد. از این رو از تغزل به حماسه سرایی می رسد و شاعری اجتماعی می شود. در "آخر شاهنامه" سه غزل است. چندین اشعار که از غزل اول من اینجا نقل می کنم:

با ده ئی هست و پناهی و شبی شسته و پاک.

جرعه ها نوشم و ته جرعه فشانم بر خاک.

نم نمک زمزمه واری، رهش اندوه و ملال،

میزنم در غزلی باده صفت آتشناک:

بوی آن گمشده گل را ز چه گلبن خواهم؟

که چو باد از همه سومیدوم، گمراه.

همه سرچشمم و از دیدن او محرومم.

همه تن دستم و از دامن او کوتاه هم.

(از مجموعه آخرشاهنامه، ص-65)

اخوان ثالث عقیده دارد که قالبهای شعری همیشه زنده جاویداراند. وی شعر کلاسیک فارسی را استوار می سازد و در اشعارش سنتهای حماسه سرایی کهن را باقی ماند. خوبی اخوان این است که سنت معنوی کهن را به روش شعر نیما به ویژه از لحاظ وزن و قالب می سراید، و وزن را با شعر فارسی همراز و همد م می داند.

قبل از اخوان در سال 1326 احمد شاملو مجموعه "آهنگ های فراموش شده" منتشر کرد. شعر وی در وزن و قافیه است، ولی شعراوخاص آهنگ دارد. اخوان از شاملو در مجموعه "زمستان" متأثر نظر می آید، و حتی سخت از بسیاری از آنها در سطحی پائین تر بود.

از احمد شاملو:

دیوارها: مشخص و محکم- که با سکوت

با بی حیائی همه خط هاش

با هر چه اش زکنگره برسر

با فتح گنگ زاویه هایش سیاه و تند

در گوش های چشم

گویای بیگناهی خویش است.

مهدی اخوان ثالث ده سال بعد از "زمستان" مجموعه "ازین اوستا" منتشر کرد. درین کتیه، غزل، قصیده و رباعی شامل شده است. بتوسط این مجموعه اخوان دوباره سنتهای قدیم را رایج کرده است و گه گاه از "اوستا" متأثر نظر می آید. این مجموعه که وی بنام اهورمزدا، بزرگ دادار، آفریدگار شروع می کند و می گوید که "زرتشت سپتمان" زمین و آسمان را آفریده است. خوبی مهدی اخوان ثالث این است که سنتهای کلاسیک را به روش نو بیان نموده است و در باره کتیه خیلی خوب بیان می کند:

فتاده تخته سنگ آنسوی تر، انگار کوهی بود.

و ما اینسو نشسته، خسته انبوهی.

زن و مرد و جوان و پیر،

همه با یکدیگر پیوسته، لیک از پای،

و پا زنجیر.

اگر دل می کشیدت سوی دلخواهی

بسویش می توانستی خزیدن، لیک تا آنجا که رخصت بود تا زنجیر.

("کتابخانه" از مجموعه "ازین اوستا"، ص-40)

شعرا و شعری است که اجتماعی و آئینه حوادث زندگی مردم ایران با زبانی ویژه او که از همه شاعران معاصر ممتاز است، امید علاوه بر شعر آزاد، به مجموعه قالب شعر کلاسیک تمایل نشان داده و از هر کدام نمونه ای چند سروده است. از امید، بر شعر، مقالات بسیاری در زمینه شعر و شاعری، بخصوص نقد و تحلیل نیما، نیز انتشار یافته است

مجموعه "زمستان" نشان داد که به شکل تازه شعر حماسی و اجتماعی دست یافته است، و در مجموعه "آخر شاهنامه" اوج شعر و شاعری خود را در واپسین سالها حیات نیما داد. اخوان در اشعارش به طرف سنتهای حماسی اساطیری کهن و علاقه ویژه اش به زبان حماسی و فکر فردوسی، سبک شاعری وی را که تمایز می سازد.

اخوان نخستین کسانی است که حماسه سرایی را بویژه از جهت وزن و قالب نیما را بیان کرده است و عصر فشار و خفقان سیاسی را بخوبی نشان می دهد. در "آخر شاهنامه" او در باره ابراز، علاقه مفرط به اساطیری و حماسه و بر روی هم فرهنگ و اندیشه ایران پیش از اسلام بیان نموده است. به این سبب شعر اخوان به معنایی واقعی در سطح پائین تر شعر سیاسی و در سطح بالاتر فلسفی نیست بلکه شعر اجتماعی خاصی است. بطور کلی اخوان شاعریست که گویی چیزی جز ناامیدی و ترس و شکست در دلش راه نیافته است. نه زبان خشن و حماسی می تواند، این روح وحشت زده ناامیدی را از او دور کند.

نتیجه گیری: در ادبیات معاصر مهدی اخوان ثالث معروفترین و مشهورترین شاعر حماسه سرایی ایران است، اخوان از جمله شاعران بزرگ معاصر است که سرودن سیاسی و اجتماعی از ویژگیهای ممتاز شعر وی به شمار می رود، او می خواست زبان ملت خود و قلمی خود را بر کتیبه تاریخ بنویسد، در حالی آشکار است که اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران را به گونه ای نما دین و بسیار زیبا در این شعر بیان می کند. درین مقاله کوشش بر آن شده است که فرق حماسه سرایی نو از حماسه سرایی قدیم ایران روشن گردد. در زبان قدیم حماسه سرایی فقط درباره سرزمین ایران، پادشاهان، وزراء و امراء و پهلوانان است، ولی شاعران جدید در ادبیات فارسی معاصر اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران را موضوع ساخته اند. شعراء حتی المقدور سعی کرده اند که در اشعارشان مردم عامه، کارگران و رنجبران و زنان را موضوع بحث قرار دهند.

فهرست منابع و مآخذ

- ##. آغا حسین قریب، شکسته حماسه، تهران، 1332
- ##. آفتاب اختر، جدید ایرانی ادب (اردو)، نامی پریس، لکنهؤ، 1961م
- ##. اخوان ثالث، مهدی، ارغنون، انتشارات مروارید، چاپ اول، تهران، 1330
- ##. اخوان ثالث، مهدی، زمستان، انتشارات مروارید، چاپ اول، تهران، 1335
- ##. اخوان ثالث، مهدی، آخر شاهنامه، انتشارات مروارید، چاپ اول، تهران، 1338
- ##. اخوان ثالث، مهدی، از این اوستا، انتشارات مروارید، چاپ اول، تهران، 1344
- ##. اخوان ثالث، مهدی، گزینۀ اشعار، انتشارات مروارید، چاپ اول، تهران، 1342
- ##. اخوان ثالث، مهدی، شکار، انتشارات مروارید، چاپ اول، تهران، 1345
- ##. اخوان ثالث، مهدی، پائیز در زندان، انتشارات مروارید، چاپ اول، تهران، 1348
- ##. اخوان ثالث، مهدی، عاشکانه ها و کبود، انتشارات مروارید، چاپ اول، تهران، 1348
- ##. اخوان ثالث، مهدی، در حیات کوچک، انتشارات مروارید، چاپ اول، تهران، 1355
- ##. اخوان ثالث، مهدی، بهترین امید، انتشارات مروارید، چاپ اول، تهران، 1348

##. اخوان ثالث، مهدی، برگزیده شعر های اخوان، انتشارات مروارید، چاپ اول، تهران، 1348

##. اخوان ثالث، مهدی، پیر و جنگل، انتشارات مروارید، چاپ اول، تهران، 1355

##. ادورد براون، تاریخ ادبیات ایران، جلد چهارم، مترجم، رسید یاسمی، کتاب فروشی ابن سینا، تهران،

1329

##. دکتر احمد تمیم داری، کتاب ایران (تاریخ ادب پارسی)، انتشارات بین المللی الهدای، تهران، 1379

##. دکتر سیروس شمیسا، راهنمای ادبیات معاصر، نشر میترا، چاپ اول، تهران، 1383

##. حمید زرین کوب، چشم انداز شعر نو فارسی، انتشارات توس، تهران، 1979م

##. ذبیح الله صفا، حماسه سرایی در ایران، انتشارات امیر کبیر، تهران، 1369

##. رضا براهنی، طلا در مس، انتشارات زمان، چاپ دوم، تهران، 1358

##. شمس لنگرودی، تاریخ تحلیلی شعر نو، جلد اول تا چهارم، نشر مرکز، تهران، 1377

##. عبدالعلی دستغیب، تحلیلی از شعر نو فارسی، انتشارات صائب، تهران، 1345

##. عبدالعلی دستغیب، سایه روشن شعر نو پارسی، انتشارات فرهنگ، تهران، 1348

##. مجید روشنگر، از نیما تا بعد، (برگزیده های از شعر امروز ایران)، انتشارات مروارید، تهران، 1357

##. محمد حقوقی، شعر نو از آغاز تا امروز، انتشارات خوارزمی، تهران، 1351

##. محمد اسحاق، سخنوران ایران در عصر حاضر، جلد اول، دهلی، هند، 1351

##. محمد استعلامی، ادبیات دوره بیداری و معاصر، تهران، 1976م

##. محمد استعلامی، ادبیات بر رسی ادبیات امروز ایران، انتشارات امیر کبیر، چاپ سوم، تهران، 1976م

##. محمد استعلامی، بررسی شعر معاصر ایران، انتشارات مهر، تهران، 1973م

##. محمود عبادیان، فردوسی و سنت نو آوری در حماسه سرایی، انتشارات گهر، تهران، 1369

##. محمد حقوقی، شعر زمان ما 2 (مهدی اخوان ثالث)، انتشارات نگاه، تهران، 1370

##. مرتضی کاخی، باغ بی برگ، یادنامه مهدی اخوان ثالث، انتشارات آگاه، چاپ اول، 1370

##. مرتضی کاخی، صدای حیرت بیدار و گفتگوهای مهدی اخوان ثالث، انتشارات زمستان، 1371

##. یحی آرین پور، از صبا تا نیما، جلد اول، دوم و سوم، انتشارات زوار، تهران، 1372